

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۶۱ - ۷۸

نقد و بررسی شبهه سها درباره لزوم اطاعت از پیامبر اعظم(ص)

نجمه انصاری^۱

علیرضا مختاری^۲

محسن زارعی جلیانی^۳

چکیده

از این که خداوند متعال در قرآن کریم انسان‌ها را به اطاعت مطلق از پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کرده هیچ تردیدی نیست زیرا که در آیات متعددی از قرآن اطاعت خدا و رسولش قرین هم آمده به این که هر جا اطاعت از خدای سبحان آمده به همراه آن اطاعت از پیامبر هم آمده که با لفظ «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» تبیین شده است. نگارنده در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به نظریه و اشکال سها در کتاب نقد قرآن مبنی بر این که چرا باید از پیامبر خدا اطاعت کرد؟ پرداخته و اساس ادله قرآنی و روایی نقد و بررسی کرده و پاسخ داده است. نتیجه حاصل در این نوشتار این که اطاعت و تبعیت از پیامبر همانند اطاعت از خداوند متعال واجب و لازم است زیرا فرمان و کلام پیامبر فرمان و کلام پروردگار سبحان است.

واژگان کلیدی

سها، نقد قرآن، شبهه اطاعت، پیامبر اکرم.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم و قرآن و حدیث، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.
Email: najmeansari1395@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: mokhtari.ar@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.
Email: mohzareiejelyani@yahoo.com

طرح مسأله

از مسائلی که همیشه مخالفان و معاندان اسلام و قرآن، متوجه ساحت قرآن کریم نموده اند، طرح شبهات و ایراداتی غیر صحیح برای اثبات غیروحیانی بودن و بشرگونه انگاشتن قرآن است، تلاشی که اخیراً در کتابی به نام نقد قرآن توسط شخصی با نام مستعار دکتر سها پی گیری شده و این شبهات در فصول این کتاب گردآوری شده است. ولی شبهه بشری بودن این کتاب آسمانی و غیروحیانی بودن آن شبهه ای است که به درازای عمر نزول قرآن قدمت دارد. این گونه شبهات و ایرادات هجمه هایی بوده که نخستین بار توسط مخالفان و معاندان هم عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح گردیده است. بدون شک مسأله الهی بودن کلام قرآن و منزّه بودن آن از تحریف، همواره مورد تاکید قرآن و دانشمندان مسلمان بوده است، تا جایی که قرآن خود، انسان را در این امر به تحدی و هموردی دعوت کرده است که اگر می توانید آیه یا سوره ای را مثل قرآن بیاورید، ولی مخالفان و دشمنان اسلام و قرآن با شکست روبرو شدند و نتوانستند با این تحدی مقابله کنند. چرا که خداوند متعال در قرآن می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/ ۹)

همچنین مخالفان و دشمنان سعی کرده اند این ایرادات و شبهات را طوری مطرح کنند که حق و باطل را در هم آمیزد و امر را بر مخاطب مشتبه سازد. حال در این پژوهش سعی می گردد که با روش توصیفی - تحلیلی به معناشناسی واژه اطاعت که از مفاهیم مهم در نظام معنایی معارف اسلامی و قرآن و حدیث محسوب می شود پردازیم و شبهه و ایرادی که سها در کتاب نقد قرآن مطرح کرده است را با معیار نقد پاسخ دهیم. سها می گوید: «اطاعت هراسانی حتی پیامبر واقعی اگر وجود می داشت غیر معقول است چرا باید به طور مطلق از پیامبر خدا اطاعت و تبعیت کرد این نوعی دیکتاتوری است.» ولی ما در این پژوهش می خواهیم ایراد رقیب را که به ساحت مقدس پیامبر (ص) و دین مبین اسلام و قرآن وارد ساخته است را با محوریت آیات و روایات و مستندات تاریخی و سیره نبوی نقد و بررسی کنیم. از جهت دیگر هم اثبات خواهیم کرد که بسیاری از برداشت های سها منطبق

بر آیات و روایات نیست او فقط تلاش می‌کند احساسات مخاطب را تحریک کرده و وانمود کند که هدف پیامبر اسلام برتری طلبی بردیگران بوده است. البته پژوهش‌های متفاوتی در زمینه شبهات سه‌ها انجام شده مانند: ۱- بررسی شبهات ناظر به انتساب صفت ظلم به خداوند در قرآن کریم در مقطع کارشناسی ارشد دانشکده تفسیر و معارف قرآن کریم توسط سمانه تمیزی ۲- پاسخ به شبهات مربوط به پیشرفت و آزادی در قرآن در مقطع دکترای تخصصی از دانشکده اصول الدین توسط ایرج محبوبی ۳- مقام و منزلت انسان در قرآن با تاکید بر نقد شبهات سه‌ها در مقطع دکترای تخصصی دانشکده اصول الدین توسط خانم منتظری. و دیگر پژوهش‌ها ولی در زمینه ی نقد و بررسی شبهات اخلاق اجتماعی ولایی پیامبر اعظم (ص) هیچ رساله و مقاله ای نگاشته نشده است.

شبهه سه‌ها

«سه‌ها در ادعاهای خود مبتنی بر قدرت‌طلبی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌نویسد: آیه نازل می‌کند و خود را مثل خدا به‌طور مطلق واجب‌الاطاعه می‌کند. دردها آیه قرآن لزوم مطلق رسول مطرح شده است تقریباً هر جایی در قرآن که اطاعت از خدا مطرح شده بلافاصله نام رسول هم آورده شده است یعنی اطاعت از خدا و رسول قرین هم هستند.» چرا که در آیات قرآن به آن اشاره شده است مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (نساء/ ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید.

سه‌ها معتقد است که: اصولاً اطاعت هر انسانی حتی پیغمبر واقعی اگر وجود می‌داشت هم غیر معقول است. چون یک پیغمبر واقعی فقط در دریافت وحی از خدا آگاه‌ترین و مصون‌ترین فرد است ولی پیامبر صلی الله علیه و آله، دانش یا تخصصی در دیگر امور زندگی بشری مثل کشاورزی، سیاست، تجارت و امثالهم ندارد پس چرا باید بی‌چون و چرا تبعیت شود. اطاعت مطلق چیزی است که تمام دیکتاتورهای تاریخ از مردم انتظار داشته‌اند و معادل سرکوب آزادی، نابود کردن حقوق انسانی، تحقیر و سرکوب فکر و نقد و خلاقیت مردم است و این چیزی است که محمد از مردم می‌طلبد البته به نام خدا. (نقد قرآن/ ۴۱۷)

معناشناسی واژه اطاعت

واژه اطاعت از ریشه «طوع» ضد «کره» به معنای رام و مطیع بودن و فرمان بردن همراه با خضوع و رغبت باشد. (راغب اصفهانی/۵۲۹ قرشی/۱۳۴/۱ ابن منظور/۱۴۲/۱ ابن فارس/۱۲۶/۱ طریحی/۱۳۷/۱ مصطفوی/۳۷۶/۱) البته برخی در تعریف اطاعت گفته‌اند: اطاعت، مقابل عصیان و به معنای موافقت واقعی مکلف با حکم خداوند است که یا از راه قطع حجت معتبر به دست آمده باشد، مثل این که انسان قطع پیدا کند به حرمت شرب خمر و آن را ترک کند و آن چیز در واقع حرام باشد، یعنی قطع او مطابق واقع باشد. (مشکینی/۹۶) همچنین در تفاوت اطاعت با «اتباع» و «اجابت» گفته‌اند: اطاعت فرمان بری از موجودی برتر است در حالی که اتباع، مطلق پیروی با فرمان یا بدون فرمان، و اجابت، پذیرش درخواست موجود زیر دست است (راغب اصفهانی/۵۲۹ قرشی/۱۳۴/۱ ابن منظور/۱۴۲/۱ ابن فارس/۱۲۶/۱ طریحی/۱۳۷/۱ مصطفوی/۳۷۶/۱) البته اطاعت و تبعیت از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نه تنها اهل زمین و آسمان‌ها را در برمی گیرد بلکه اطاعت از فرمانش برای فرشتگان هم واجب الاطاعه است که قرآن کریم از آن به «مُطَاعِ تَمَّ أَمِينٍ» (تکویر/۲۱) تعبیر کرده است. حتی در روایت آمده است که در شب معراج ملائکه به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله درهای بهشت را گشودند. (جزائری ۱۰/۳۹۸ مجلسی/۴/۱۳۸ حرعاملی/۳/۱۸۲ کلینی/۴/۱۱۷ بخاری/۲/۱۲۴ نیشابوری/۲/۱۳۸ ابن ماجه/۱۴۲/۲ نسایی/۲/۱۲۹ ترمذی/۲/۱۳۶ مالک ابن انس/۲/۱۴۷ ابن حنبل/۳/۱۱۹ صدوق/۳/۱۸۵ طوسی/۳/۱۶۷).

در نتیجه شریعت نبوی تا قیامت پابرجاست و اطاعت از فرمان نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله تا قیامت بر همه انسان‌ها واجب و لازم الاطاعه است؛ زیرا که رفتار و سکنات پیامبر صلی الله علیه و آله حجت است و سرپیچی از فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برابر کفر است. حتی اکثر علما هم بر این امر مهم متفق القول هستند. زیرا که همه پیامبران هم در تلقی و تبلیغ وحی و هم در عقاید و اعمال قبل و بعد از بعثت از هرنوع گناه صغیره و کبیره معصوم هستند همچنین با توجه به واژه «اطیعوا» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ». (نساء/۵۹) امر ظهور در وجوب دارد. (بحرانی/۱۲۵ شیرازی/۲/۱۹ انصاری/۴۱ سبحانی/۵۷/حلی/۱۹۶/علم الهدی/۲/ مفید/۶۸/حلی/۱۴۲/مصباح یزدی/۱۲۱/

عاملی/۱۲۹ عراقی/۱۱۸) همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر/۷) و شما آن‌چه رسول حق دستور دهد بگیریید و هرچه نهی کند واگذارید. بنابراین هر امر و نهی که در سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده باشد باید اطاعت شود چرا که قرآن به صورت مطلق و یک‌فرمان‌جامع ذکر کرده است.

نقد نظریه شبهه سه‌ا

حال با توجه به ذکر معنا و مفهوم واژه اطاعت، گستره و شناخت آن، نوبت به ایرادات سه‌ا رسیده که آن‌ها را مطرح کرده و پاسخ دهیم:

۱- اطاعت و تبعیت از خدا و رسول همراه با خضوع و رغبت است نه از روی اجبار و اکراه.

همان‌طور که در مفهوم واژه اطاعت اشاره کردیم، اطاعت به معنای فرمان‌برداری که همراه با اختیار و خضوع و رغبت باشد؛ بنابراین قرآن هم وقتی انسان‌ها را به اطاعت و تبعیت از خداوند متعال و رسول و اولی‌الأمر دعوت می‌کند و فرمان می‌دهد که مطیع فرامین آن‌ها باشیم در حقیقت این اطاعت و تبعیت را به رغبت و اختیار ایشان محول کرده است نه پیروی و اطاعت از روی اجبار و اکراه؛ زیرا اطاعتی که از روی اجبار و اکراه باشد دیگر اطاعت نیست. همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین» (بقره/۲۵۶) همچنین با تدبیر در آیات قرآن متوجه می‌شویم که خداوند متعال انسان را مختار آفریده و به دلیل بهره‌مندی از نعمت عقل این اطاعت و تبعیت حکم عقل است. چرا که با توجه به امرار شادی بودن واژه «أطیعوا» در قرآن عقل سلیم هر انسان خدا‌باوری است که او را به اطاعت و پیروی از خالق یکتا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومین علیهم‌السلام هدایت و رهنمون می‌کند و در این جا است که قرآن انسان‌ها را به عقل خودشان ارجاع داده است. در حقیقت این مطلب بیانگر این است که فردی که با ادله عقلی پروردگار سبحان را شناخت و پذیرفت و جایگاه خود را در عالم هستی یافت. یقین می‌یابد که خلقت جهان بر اساس نظم، حکمت، تدبیر و هدفی نظام‌مند آفریده شده چرا که خالقش حکیم، مدبر، بصیر است پس برای این عالم هدفی والا قائل است و متوجه خواهد شد که برای هدایت بشر و شکوفایی استعدادهای او به راهنمایی معصوم و عاری از خطا و اشتباه نیاز است تا به گفته

آنان اعتماد کرده و به سرمنزل مقصود رهنمون گردد و در حقیقت فایده اطاعت از ایشان به خود انسان برمی‌گردد زیرا که پیامبران و معصومین علیهم‌السلام فرستادگان خداوند متعال هستند و کلام و امر آن بزرگواران کلام و امر پروردگار سبحان است و فقط آنان دارای مقام عصمت مطلقه هستند به این معنا که از هرگونه گناه و خطا و لغزشی مصون هستند؛ و از آن‌جا که هیچ انسانی نمی‌تواند مستقیم با خداوند تبارک و تعالی ارتباط داشته باشد براساس براهین عقلی و دیدن و درک معجزات رسولان الهی یقین می‌یابد که ایشان فرستادگان خدا هستند و فقط به آن‌ها وحی می‌شود و ایشان از جانب پروردگار حکیم مأمور به تبلیغ رسالت و هدایت بشر و دعوت به خالق یکتا هستند پس اطاعت و تبعیت از فرامین آنان و انجام برنامه‌ها و دستورات رسولان الهی واجب و لازم است.

۲- اطاعت و تبعیت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از حیث رسالت ایشان است.

حال باید نگریم که آیا دستور قرآن مبنی بر اطاعت از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله، تبعیت و فرمان‌برداری از ایشان از حیث بشری بودن حضرت است یا از حیث رسول بودن او؟ با تدبر در آیاتی که به اطاعت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمان داده شده است مشخص می‌شود که بر جنبه رسالت ایشان تأکید شده است. در ذیل آیاتی که امر به اطاعت و تبعیت از رسول خدا شده است می‌آوریم. تا معلوم گردد در قرآن فرمان به اطاعت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از حیث رسالت ایشان لحاظ شده است نه از حیث بشری بودن:

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران/ ۳۲). بگو خدا و پیامبر (او) را اطاعت کنید پس اگر روی گردان شدند قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد.

با توجه به آیات فوق روشن شد که هرکجا که در قرآن سخنی از اطاعت و تبعیت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده اشاره به جنبه رسالت حضرت دارد نه شخص خود پیامبر چرا که در آیه‌ای از قرآن ذکر نشده که از شخصی به نام محمد اطاعت کنید بلکه فرموده از رسول اطاعت کنید. در حقیقت لفظ رسول در آیات فوق‌الذکر تصریح بر این دارد که اگر اطاعت از نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به مانند اطاعت از خداوند متعال واجب و

لازم است به دلیل رسالت حضرت است زیرا که ایشان فرستاده خداوند است بنابراین اطاعت مطلق از حضرت در هر آنچه در حیطه رسالت فرمان می‌دهند لازم و واجب الاطاعه است.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همه امور اسوه بشریت هستند.

نکته حائز اهمیت این که طبق آیه «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم/ ۳) هر آنچه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌شده و مطرح می‌کردند وحی است اما با تدبر و تعقل در آیه این کلام قابل درک است که حضرت آن چه را بیان می‌کردند به فرمان پروردگار سبحان بوده مأمور به انجام وظیفه بودند نه این که بخواهد از جنبه شخص خود به کسی دستور دهد تا اطاعتش واجب باشد. علاوه بر این اگر در تاریخ و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مشاهده و تأمل کنیم مشخص می‌شود که حضرت هرگز به کسی دستور نمی‌دادند حتی به آن افراد ضعیف و زبردست خود هم امر و نهی نمی‌کرد البته درست است که ایشان پیامبر امت و رهبر جامعه بودند و وظیفه هدایتگری بشر را بر عهده داشتند و هر جا لازم بود انذار و تبشیر می‌کردند اما همه طبق امر الهی بود ولی در کارهای شخصی اش هرگز به کسی امر و نهی نمی‌کرد و همواره خودش انجام می‌داد زیرا که حضرت به دلیل دارا بودن فضایل و مکارم اخلاقی و انسانی همیشه در همه امور اسوه و الگوی بشریت بودند و هستند حتی اکثر روایات فریقین خود گواه بر این مطلب است که مورد تأیید و تأکید واقع شده است به این منظور که رسول خدا همیشه کارهای شخصی اش را خودش انجام می‌داد. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحاب در یکی از سفرها اردو زده بودند، لحظه‌ای برگشتند که زانوبند شترش را ببندد، اصحاب گفتند ما انجام می‌دهیم حضرت فرمود: درست است که شما حاضرید و این کار را انجام می‌دهید ولی هر کس باید کارهای شخصی اش را خودش انجام دهد. همچنین فرمودند: هرگز در کارهای شخصی خود از دیگران کمک نخواهید و به دیگران تکیه نکنید اگرچه برای قطعه‌ای چوب مساوک باشد؛ بنابراین رسول خدا صلی الله علیه و آله کارهایش را هرگز به دوش دیگران نمی‌انداخت و به شرط رعایت این اصل بهشت را برای گروهی ضمانت کرد. کسی که کارهایش را به دوش دیگران می‌اندازد او را ملعون می‌دانست. حضرت با دست خود

کفش و لباسش را وصله زده و در خانه را باز می‌کرد. (مازندرانی ۱۴۶/۱ طباطبایی ۹۶/ حمیری ۱۳۸/۳) نیازهایش را خود، از بازار می‌خرید و به خانه می‌برد، در راه رفتن جلوتر از کسی قدم بر نمی‌داشت، دعوت بردگان را می‌پذیرفت، به امور مستمندان و محرومان رسیدگی و از آنان دلجویی می‌کرد، هیچ‌وقت به خدمت کار خویش امر ونهی نمی‌کرد، حتی انس بن مالک خادم حضرت می‌گوید: در طول این سال‌ها که خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودم هرگز به من دستور نداد و مرا در کارها ملامت و سرزنش نکرد. پیامبر عظیم‌الشأن صلی‌الله‌علیه‌وآله همواره این را به‌عنوان یک اصل در زندگی خانوادگی، روابط اجتماعی و سایر مسائل رعایت کرد. هرگز در خانه دستور نداد. حضرت با رفتار خود به اصحاب و همگان نشان می‌داد که نمی‌خواهد با دیگران متمایز باشد. (طبرسی ۱۰۵/ همین مسأله باعث می‌شد که روحیه استقلال را به جامعه تزریق کند؛ یعنی اگر قرار است یک جامعه مستقل باشد، روی پای خود بایستد و هر کس کار و تلاش کند، باید این روحیه در آن‌ها وجود داشته باشد. روحیه سربار بودن، جامعه را به وابستگی می‌کشاند.

۴- اطاعت و تبعیت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با اطاعت از دیکتاتورها کاملاً متفاوت است.

در این جاست که می‌توان به شبهه دیگر سها پاسخ داد به این که ایشان مدعی است که امر به اطاعت و تبعیت از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله نوعی دیکتاتوری است اما این به‌دوراز انصاف است، چراکه دیکتاتورها کسانی بودند که در طول تاریخ فقط به فکر مقام و شهرت و موقعیت خود و تابع هوای نفسشان بودند و به دلیل عقیده و بینش نادرست معیار و ملاک آنان الهی نبود و همه‌چیز را برای خود می‌خواستند و چیزی به نام اختیار و آزادی برای مردم قائل نبودند و افراد ضعیف و محروم را به بیگاری می‌کشیدند و برای آن‌ها حرمتی قائل نبودند و همیشه به مردم امر ونهی می‌کردند و با رفتارشان ترس و وحشت در دل مردم ایجاد می‌کردند و هدفشان رسیدگی به امور مردم نبود به همین دلیل اشخاصی بودند که از روی تملق و چاپلوسی و تظاهر از آن‌ها تعریف و تمجید دروغین می‌کردند. حال باید به سها و افراد ساده‌انگاری مثل ایشان که از روی غرض‌ورزی و کینه‌توزی که نمی‌خواهند واقعیت و حقیقت را قبول کنند پاسخ دهیم که آیا این رفتار خصمانه و ظالمانه

دیکتاتورها قابل مقایسه با رفتار عظیم‌الشأن نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است؟ پیامبری که با آن همه عظمت و ابهت که دارای مقام شامخ نبوت و رسالت بودند رفتار و سکناتش به نحوی تأثیرگذار بود که مردم احساس آرامش و امنیت کنند و مشکلات خود را راحت بتوانند با حضرت در میان بگذارند ایشان هرگز به کسی امر و نهی نمی‌کرد و برای ضعیفان و بردگان احترام قائل بود و در همه حال به امور مردم رسیدگی می‌کرد پیامبری که خود اسوه اخلاق و دارای فضایل انسانی بود با وجود اینکه ایشان فرستاده خداوند متعال بودند امام هرگز خود را پادشاه تلقی نکرد که بگوید از من باید اطاعت و فرمان‌برداری کنید. تاریخ خود گواه بر حقانیت سیره رسول‌الله است مبنی بر این که زمانی که سلمان و بلال نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رفتند، سلمان وقتی به حضرت نزدیک شد می‌خواست قدم‌های ایشان را ببوسد؛ اما پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله او را از این کار نهی کرد و فرمود: همان من هم مثل شما بنده‌ای از بندگان پروردگار سبحان هستم همانند شما می‌خورم و می‌نوشم و می‌نشینم. (حسینی استرآبادی/۴۷۳/مجلسی ۱۳۹/۲۷ حلی/۲۴۷) حال پیامبری که خود را خادم مردم می‌داند و با این همه صفات و مقام والا و رسالت الهی آیا می‌توان او را دیکتاتور خطاب کرد؟ آیا رفتار حضرت قابل مقایسه با رفتار دیکتاتورها است؟ بنا بر این پاسخ ما به سه‌ا این است که اطاعت و تبعیت از رسول خدا به معنای دیکتاتوری نیست بلکه طبق فرمان خالق یکتا تبعیت از فرامین نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله لازم و واجب‌الاطاعه است.

۵- اطاعت مطلق از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با عصمت ایشان منافاتی ندارد.

سه‌ا اطاعت مطلق از هر انسانی حتی پیامبر واقعی را اگر وجود می‌داشت غیر معقول می‌شمارد؛ زیرا یک پیامبر واقعی فقط در دریافت وحی از خداوند آگاه‌ترین و مصون‌ترین فرد است اما در پاسخ باید گفت اگرچه آیه «أطیعوا الله و الرّسول» دلالت بر اطلاق و مطلق بودن اطاعت از نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد. ولی به فرض پذیرش عصمت که سه‌ا به آن استناد نموده است اطاعت به صورت مطلق اشکالی ندارد؛ زیرا همان‌طور که در پاسخ به شبهه قبل آورده شد این اطاعت فقط در جنبه رسالتی ایشان لازم و واجب است. اطاعت و تبعیت از حضرت در همه امور واجب است به عنوان مثال امور مربوط به هدایت بشر مثل احکام و امور حکومتی و امور فردی و اجتماعی بشر. حتی بنا بر دیدگاه شیعه که معتقد به

عصمت مطلقه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است اطاعت و تبعیت از رسول خدا لازم و واجب است؛ بنابراین اطاعت و انقیاد از رسول خدا با عصمت ایشان منافاتی ندارد.

۶- اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله موجب شکوفایی استعدادها و جوامع انسانی است.

حال مطلب را ادامه می‌دهیم به دیگر شبهه‌ها به این که ایشان مدعی است که فرمان‌برداری و اطاعت مطلق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موجب سرکوبی و فنا شدن استعدادهای بشری می‌شود ایشان معتقد است که بر فرض وجود پیامبر واقعی باز هم تبعیت از ایشان غیر معقول و ظالمانه است چرا که اطاعت مطلق معادل سرکوب افکار و عدم پیشرفت و خلاقیت مردم است؛ اما پاسخ ما به سها این است که کلام شما برخلاف تعالیم الهی و آموزه‌های دینی است و هرگز منطبق بر تاریخ اسلام و سیره نبوی نمی‌باشد در حالی که واقعیت چیز دیگری است به این منظور که وضعیت سرزمین حجاز در زمان رسول خدا تأسف بار بوده و از نظر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دینی دچار رکود و وضعیت بحرانی بوده است. در حقیقت باید بگوییم با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و وجود مبارک ایشان بود که جامعه بشری از نظر فرهنگی، علمی، اجتماعی و معرفت دینی و فضایل اخلاقی و انسانی به اوج پیشرفت و فتح رسید و حضور و مدیریت نافذ حضرت موجب رشد و شکوفایی استعدادهای بشری آن زمان شد. البته اگر در برخی جوامع اسلامی رکود و خمولی مشاهده می‌کنیم که سها در کل کتاب خود به آن اشاره کرده و همه آن‌ها را متوجه اسلام و قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دانسته، به این دلیل است که مسلمانان از اوامر الهی و دستورات نورانی قرآن و فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله اطاعت و تبعیت نکردند؛ و به خاطر تبعیت از هوای نفس غرق در جهل و خمودی و ظواهر دنیا شدند و با خود کامگی از حضرت اعراض کردند. در حالی که اگر مطیع امر پروردگار سبحان و قرآن و اسلام بودند و از دستورات نبوی فرمان‌برداری و پیروی کرده بودند و با اتحاد و یکپارچگی اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله را بر خود لازم و واجب می‌دانستند قطعاً به پیروزی و رستگاری می‌رسیدند و در همه امور به اوج پیشرفت و شکوفایی نائل می‌شدند و آن وعده‌ای که خداوند متعال یعنی رسیدن به سعادت دنیا و آخرت فرموده بود به‌طور

چشمگیری کسب می‌کردند و همیشه و در همه حال در بین جوامع بشری سرافراز و پیروز بودند. با توجه به این که سه‌ها خود معترف است به این که جزء خدا ناباوران است و شبهات خود را در کتاب نقد قرآن، به‌ویژه این شبهه را بر عدم ارتباط انسان با پروردگار سبحان در این عالم و بشری بودن قرآن و نفی نبوت و رسالت نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌مبنا قرار داده است، کاملاً مبرهن است که پاسخ به شبهات ایشان بر اساس بینش و عقاید موهوم وی و نگرش بی‌اساس همفکرانش قابل هضم نیست؛ اما در این پژوهش چون اکثر مخاطبین موحد، خدا‌باور، معتقد به قرآن و قیامت و اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام هستند و بینشی وسیع دارند و منکر حق و ولایت و اطاعت از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نیستند قطعاً برای خلقت این نظام هستی قائل به وجود خالق یکتا، حکیم، بصیر و مدبر می‌باشند و به‌نوبه خود بر اساس ادله عقلی و نقلی به‌طور مستدل و مستند بنیان ایمان و یقین خود را استحکام بخشیده‌اند چرا که معتقدند خداوند متعال است که انسان را به‌عنوان اشرف مخلوقات «ولقد کرمانا بنی آدم» (اسراء/ ۷۰) آفریده است و با نهادن استعدادها و شگرف در وجود انسان او را رها نکرده تا از مرحله بالقوه به فعلیت و اوج شکوفایی برسد.

بنابراین عقل سلیم خدا‌باور می‌داند که ارتباط خداوند با مخلوقات خویش به‌خصوص انسان ضرورت دارد تا او را به هدف نهایی و سعادت خویش رهنمون شود و از طرفی چون با علم حضوری درمی‌یابیم که انسان به‌صورت مستقیم با خالق خود در ارتباط نیست، لازم است تا پروردگار یکتا به‌واسطه برخی انسان‌های برگزیده با انسان ارتباط برقرار کرده و برنامه‌هایی برای شکوفایی استعدادها و نائل شدن به هدف غایی و رشد و کمال را در اختیار بشر قرار دهد و قطعاً هر انسانی شایستگی بر عهده گرفتن چنین امر مهمی را ندارد، بنابراین کسانی باید عهده‌دار این رسالت مهم باشند که از صفای باطن و عصمت از خطا و گناه برخوردار باشند. به همین دلیل پیروان و دوستداران پیامبران الهی به‌ویژه نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌در پی آن بودند که بتوانند با براهین عقلی و نقلی عصمت انبیاء و ارسال رسل را اثبات کنند؛ و به‌تبع آن دارا بودن چنین مقام عصمتی برای انبیاء الهی به دلیل ارتباط مستحکم با پروردگار عالم، نوعی ولایت تکوینی و به همراه آن ولایت تشریحی برای آن بزرگواران به ارمغان می‌آورد.

شایان ذکر است که همه پیامبران با این که از نظر نبوت و رسالت، همانند بودند از جهت مقام یکسان نبودند که نمونه کامل آن پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است که آیینش کامل‌ترین و آخرین آیین‌ها بود؛ زیرا که وجود حضرت خاتم صلی الله علیه و آله افضل از جمیع است به ضرورت دین اسلام و نص قرآن و اخبار متواتر و براهین عقلی در جمیع کمالات و خصوصیات، دین او افضل همه ادیان، اوصیاء او افضل همه اوصیاء، کتاب او افضل همه کتب و امت او افضل از جمیع امم است. بنابراین اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت از خداوند متعال است. پس اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله همسان و قرین اطاعت پروردگار سبحان است. حتی در تفاسیر شیعه و اهل سنت مفسرین در تفسیر آیات مربوط به اطاعت از خداوند و رسولش به این امر مهم اشاره کرده اند و مورد تایید و تاکید واقع شده است. (سیوطی ۱۲۸/۳ حویزی ۱۳۶/۲ زمخشری ۱۱۸/۳ ثعلبی ۱۴۳/۲ آلوسی ۱۷۹/۳ طبری ۱۲۴/۳ طباطبایی ۱۶۸/۴ قرطبی ۱۷۵/۲ ابن جوزی ۱۸۲/۳ اندلسی ۱۵۶/۳ ابن عاشور ۱۶۲/۲ تهرانی اصفهانی ۱۸۷/۳ طبرسی ۱۴۶/۳ طوسی ۱۳۷/۳ بغوی ۱۲۹/۴ طنطاوی ۱۵۶/۲ بیضاوی ۱۷۲/۳ بحرانی ۱۷۵/۳ معرفت ۱۳۴/۲)

۲- اطاعت از رسول قرین اطاعت از خدا لازم و واجب است.

نکته‌ای دیگر که در این جا حائز اهمیت است این که اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همان اطاعت از خداوند متعال است در حقیقت در پاسخ به شبهه سها که باور ندارد و نمی‌خواهد بپذیرد که اطاعت و تبعیت از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله همسان و قرین اطاعت و تبعیت از خالق یکتا است؛ زیرا که کلام و امر پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله، کلام و امر پروردگار سبحان است پس اطاعت و فرمان‌برداری از پیامبر صلی الله علیه و آله، اطاعت و پیروی از خداوند تبارک و تعالی است و تبعیت از هر دو یکی است.

همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا». (نساء/ ۸۰) هر کس از پیامبر فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده و هر کس روی گردان شود ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم.

جالب این است که دکتر سها خود به‌طور ناخودآگاه پاسخ خود را داده است و می‌نویسد: «واقعیت این است که اطاعت خداوند متعال به اطاعت از رسول برمی‌گردد چون

مردم با خالق یکتا ارتباط ندارند و تنها چیزهایی را از محمد به نام خدا می‌شنوند، بنابراین اطاعت مطلق پروردگار هم اطاعت مطلق رسول است.

در حقیقت چون انسان‌ها نمی‌توانند به‌طور مستقیم با خداوند متعال ارتباط داشته باشند ولی بر اساس بینش توحیدی، معتقدیم که این خالق یکتا است که انسان را آفرید؛ و استعدادهای شگرفی در نهان آنان قرار داده تا به سرمنزل تعالی رشد و کمال برسند و صعود کنند که همان به فعلیت رسیدن استعدادهای خدادادی یعنی شناخت و معرفت و عظمت پروردگار سبحان و متصف شدن به صفات مقدس و جمال و جلال و اسماء الحسنی الهی.

البته این امر مهم تنها در سایه قرب الهی و اطاعت و تبعیت از فرامین خداوند تبارک و تعالی و عمل به دستورات نورانی قرآن و فرمان‌برداری از احکام و شریعت اسلام حاصل می‌شود. حال هر انسان خدا‌باوری با توجه به عقل سلیم اگر تدبر کند درمی‌یابد که برای شناخت و معیار این اوامر الهی و احکام تشریحی و تشخیص این که چه مسائلی در دین درست یا نادرست و چه ملاک‌هایی صحیح یا سقم است نیاز به فرستادگانی از جانب خالق یکتا دارد و این فرستادگان کسانی نیستند جز پیامبران و معصومین علیهم السلام که وظیفه هدایت‌گری بشر و دعوت آنان به پروردگار بی‌همتا و ابلاغ دستورات و احکام الهی و این‌چگونه بتوانند به این فرامین عمل کنند تا به قرب الهی و سرمنزل سعادت و رستگاری رهنمون شوند عهده‌دار بودند و آن‌ها را از گام نهادن در اوامر شیطانی و قرار گرفتن در مسیر جهل و گمراهی نهی می‌کردند پس وجود عظیم‌الشان ارسال رسل از جانب خداوند عظیم و متعال برای انسان‌ها همیشه و در همه حال واجب و ضروری بوده و هست چرا که خلقت این نظام آفرینش امری عبث و بیهوده نیست بلکه خالقش مدبر، حکیم، بصیر است و خلقت این عالم و موجودات بر اساس حکمت و تدبیر و هدفی نظامند است.

درنهایت پاسخ ما به سه‌ها این است که اطاعت و تبعیت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله واجب و لازم است زیرا که اطاعت از ایشان اطاعت از خداوند متعال است و فرمان و کلام رسول فرمان و کلام پروردگار سبحان است در نتیجه فرمان‌برداری و اطاعت از خداوند و رسول یکی است.

نتیجه گیری

کاملاً مبرهن است که قرآن مردم را به اطاعت مطلق از رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت کرده است شایان ذکر است که اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جنبه رسالتی ایشان بازمی‌گردد نه اطاعت از شخص محمد به همین دلیل با تأمل در آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول» اطاعت از حضرت قرین اطاعت خداوند متعال نهاده شده است به گواهی تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز در امور شخصی خود به دیگران امر و نهی نمی‌کرد حتی به خادم خود انس بن مالک. مضاف بر این دعوت به اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله امری از شادی است که پیش از تعلق امر الهی به آن عقل حسن آن و قبح ترک آن را تشخیص داده است و در امور ارشادی هیچ‌گونه اکراه و اجباری نیست در نهایت اطاعت از خداوند متعال به اطاعت از رسول برمی‌گردد بنابراین اطاعت و تبعیت از پیامبر صلی الله علیه و آله لازم و واجب است البته نه تنها پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه همه انبیاء الهی ارسال رسل از جانب خالق یکتا هستند و هم در تلقی وحی از خدا و هم در ابلاغ آن به مردم از هرگونه خطا و لغزشی مصون هستند مضاف بر این به دلیل عدم ارتباط مستقیم ما با پروردگار سبحان، رسولان الهی برای هدایتگری و رهنمون کردن دستورات قرآن برای انسان‌ها لازم و ضروری است تا به سر منزل تکامل معنوی و رستگاری نایل شوند بنابراین اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیه السلام لازم و واجب است زیرا که حکم و امر آن بزرگواران حکم و امر پروردگار متعال است.

فهرست منابع

القرآن الکریم

۱. ابن ابی الحدید، فخر الدین، شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، مکتبه مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۷ ق.
۲. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر التحریر و التنویر، چاپ اول، موسسه التاریخ، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، نشر دار صدر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، محقق بشار عواد، چاپ اول، دارالجیل، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۶. احمد بن حنبل، المسند، تحقیق شعیب ارنوط و عادل مرشد، چاپ اول، موسسه الرساله بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۷. احمد بن فارس، مقایی اللغه، بی جا، مکتب اعلام اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۸. اندلسی، عبدالحق بن غالب بن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۹. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، بی جا، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. بحرانی کمال الدین بن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، کتبه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، چاپ اول، طوق النجاه، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۱۵. بیضاوی، ناصر الدین عبدالله، انوار التنزیل و اسرار التاویل، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق احمد محمد شاکر، محمد فواد عبدالباقی، چاپ دوم، مکتبه مصطفی البانی، مصر، ۱۳۹۵ ق.
۱۷. تهرانی اصفهانی، محمد صادق، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، فرهنگ

- اسلامی، تهران، ۱۴۰۶ق.
۱۸. ثعلبی، ابواسحاق احمد، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق. چاپ اول.
۱۹. جزائری، سید نعمت الله، كشف الاسرار ففی شرح الاستبصار، چاپ اولی، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۸ق.
۲۰. حر عاملی، وسائل الشیعه تفصیل مسائل الشریعه، انتشارات آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۱. حسینی استرآبادی علی، تاویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۲. حلبی، علی بن ابراهیم، السیره الحلبيه، چاپ دوم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۷ق.
۲۳. حلبی، حسن بن یوسف، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، منشورات شریف الرضی، قم، ۱۳۶۳ش.
۲۴.، نهج الحق و كشف الصدق، تعلیق عین الله حسنی، انتشارات هجرت، بی تا.
۲۵. حمیری، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، دارالوفاق، بیروت، ۱۳۷۵ق.
۲۶. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۲۷. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق داوودی، صفوان عدنان، چاپ اول، الدار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۲۸. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل، چاپ دوم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۹. سبحانی، جعفر، مع الشیعه الامامیه فی عقائدهم، چاپ اول، معاونیه سئون التعلیم و البحوث الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۰. سیوطی، جلالالدین، الدر المنثور، فی تفسیر الماثور، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضر الفقیه، چاپ پنجم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
۳۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم اخلاق، چاپ ششم، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۲ق.
۳۳. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مجمع البیان، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، بی چا، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، چاپ دوم، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۷۳ م.
۳۶. طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی، ترجمه لطیف راشدی، چاپ ششم، انتشارات تهذیب، قم، ۱۳۸۵ ش.
۳۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، چاپ سوم، نشر مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۸. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، چاپ اول، دارنهضه مصر للطباعه و النشره، قاهره، ۱۹۹۶ م.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بی جا، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۴۰.، تهذیب الاحکام، مصحح محمد آخوندی، محقق حسن خرسان، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵ ش.
۴۱. عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الاصولف چاپ اول، دارالفکر، قم، ۱۳۷۴.
۴۲. عراقی، آقا ضیاء الدین، بدائع الافکار، مقرر میرزا هاشم آملی، چاپخانه علمیه، نجف اشرف، ۱۳۷۰ ق.
۴۳. علم الهدی، سید مرتضی، تنزیه الانبیاء تحقیق فارس، حسون کریم، بوستان کتاب، قم، ۱۴۲۲ ق.
۴۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ دوم، دارالحدیثقم، ۱۴۳۰ ق دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۴۶. مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، قم، ۱۴۱۲ ق.
۴۷. مالک بن انس، الموطا، تصحیح محمد فواد عبدالباقی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۴۸. مجدد شیرازی، تقریرات المجدد الشیرازی، مولی علی روزدری، چاپ اول، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ ق.
۴۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ دهم، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۵۰. معرفت، محمد هادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، چاپ اول، موسسه فرهنگی

انتشارات التمهید، قم، ۱۳۷۹ ش.

۵۱. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۵۲. میبدی، ابوالفضل، کشف الاسرار و عده الابرار، چاپ هفتم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۲ ش.

۵۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تصحیح اسماعیل طرابلسی، دارالطباعه العامره استانبول، ۱۳۳۴ ق.

۵۴. قرشی، سید علی کبر، قاموس قرآن، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.

۵۵. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، چاپ ششم، انتشارات الهادی، قم، ۱۳۷۴ ش.

۵۶. مصباح یزدی، محمد تقی، راه و راهنما شناسی، مصحح مظفی کریمی، چاپ دوم، موسسه امام خمینی، ۱۳۹۵ ش.

۵۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بی جا، نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.